بازتاب فقه شافعی در کتاب خلاف شیخ طوسی

تبرائیان، محمد حسن

تاریخ تدوین کتب«اختلاف الفقهاء»گواهی آشکار بر این مدعاست که این رشته کتب به رغم مفهوم ظاهری عناوین آنها، همواره هدف تقریب بین مذاهب اسلامی را دنبال می‏کرده‏اند.

مطالعه نمونه‏های بر جای مانده از این کتب نشان می‏دهد که مؤلفان آنها پیوسته مذاهبی را با مذاهب مورد قبول خود مقایسه می‏کردند که با دیده احترام به آنها می‏نگریستند.

تألیف کتاب خلاف در نیمه نخستین سده 5 ه ق در محیط بغداد انجام پذیرفت؛محیطی که در آن پیروان مذاهب غالب آن روزگار:امامیه، زیدیه، ظاهریه، جریریه و نیز اصحاب حدیث در فضایی مناسب با یکدیگر بحث و گفتگوی علمی داشتند.

شیخ ابو جعفر طوسی(د 460 ه-ق)که در فقه امامیه به عنوان«شیخ الطائفه»شناخته شده است در کتاب خلاف به مقایسه تمامی مذاهب یاد شده پرداخته است.وی در این کتاب، که‏ نخستین تألیف مبسوط و کامل در اختلاف مذاهب اسلامی از سوی عالمی امامی به شمار می‏آید، موجبات تبادل آراء و افکار فقهی بین امامیه و اهل سنت را فراهم آورده است؛گرچه پیش از او سیّد مرتضی(د 436 ه-ق)استاد شیخ طوسی در کتاب الانتصار به مباحثی در باب اختلاف بین مذاهب پرداخته بوده است، ولی در تفصیل و تنّوع آراء به مرتبه خلاف طوسی نمی‏رسد.

نگاهی گذرا به کهن‏ترین کتب اختلاف الفقهاء چون:اختلاف العلماء محمد بن نصر مروزی، اختلاف الفقهاء محمد بن جریر طبری، اختلاف العلماء طحاوی و الاشراف بن منذر به روشنی نشان می‏دهد که نویسندگان این گونه کتب تنها به ذکر اختلافات بنیانگذاران مذاهب پرداخته، و از آوردن دیدگاه‏های فقیهان اعصار بعد در مذاهب مختلف احتراز کرده‏اند. در واقع، در غالب کتبی که در باب اختلاف الفقهاء تألیف شده از فقه حنفی:آراء فقهی امام ابو حنیفه، ابو یوسف، محمد بن حسن شیبانی، و به ندرت زفر بن هذیل، و از فقه شافعی: نظرات قدیم و جدید (1) امام شافعی؛و از فقه مالکی:آراء شخص امام مالک، و گاه اختلاف روایات شاگردان او چون ابن قاسم عتقی؛و از فقه حنبلی:روایات مختلف پیروان امام احمد از وی، مورد بررسی قرار می‏گیرد.اما در برخی از کتب چون اختلاف الفقهاء طحاوی، افزون بر دیدگاه فقیهان اصلی یاد شده؛نظرات فرعی فقیهان حنفی در اعصار بعد نیز به گونه‏ای گسترده طرح شده که این امر قابل انتظار و طبیعی است، زیرا طحاوی خود بر مذهب حنفی بوده است.

با اطمینان می‏توان گفت که خلاف شیخ طوسی، در میان کتب مذکور، از جایگاهی ویژه و ممتاز برخوردار است.شیخ طوسی در این کتاب دیدگاه‏های مشترک عالمان امامیه، و در موارد اختلاف، اقوال مختلف ایشان را یادآور شده است، که این امر همچون شیوه طحاوی طبیعی می‏نماید، ولی آنچه خلاف را از دیگر کتب مشهور اختلاف الفقهاء متمایز می‏سازد، شیوه برخورد مؤلف با نظرات و آراء فقیهان مذهب شافعی است که موضوع بحث ما در این مقاله (1).دوره عراق و مصر است.

شیخ طوسی در کتاب خلاف، نسبت به مذاهب حنفی، مالکی و حنبلی، بویژه دو مذهب اخیر، به شیوه معمول کتب اختلاف الفقهاء تنها به آرای مؤسسان مذهب پرداخته، و با صرفنظر از موارد نادر و انگشت شمار، آرای فقیهان طبقات و اعصار بعد را فرو نهاده و ذکری از آثار فقهی این مذاهب به میان نیاورده است.حتی در مورد پایه‏گذاران مذاهب، چون امام احمد بن حنبل، که اختلاف روایات حنبلیان از او اندکی بیشتر است نیز به نقل تمامی روایات وارده نپرداخته است.این در حالی است که اختلاف آرای قدیم و جدید شافعی، و همچنین اختلافات جزئی موجود میان اقوال منقول از شافعی در کتب گوناگون مذهب، در سطر سطر خلاف به چشم می‏خورد.بر خلاف دیگر مذاهب که اغلب نامی از کتب آنان در خلاف دیده نمی‏شود، از آثار مختلف امام شافعی یا روایات منقول از وی چون:کتاب الام، کتاب بویطی، کتاب حرملة، الاملاء، اختلاف العراقیین، و بسیاری دیگر از منابع بنام، یاد می‏شود و صفحه‏ای نیست که نامی از کتب شافعیه در آن نیامده باشد.

اقوال و آرای«اصحاب الشافعی»با همین تعبیر که مقصود از آن پیروان این مذهب حتی در طبقات بعدی است در جای جای خلاف مطرح گردیده، و گاه باب سخن صرفا در جهت طرح آرای مشترک اصحاب شافعی یا اختلاف نظر آنان گشوده شده است که به عنوان نمونه چند مورد از صدها مورد موجود در ابواب مختلف فقهی کتاب خلاف را یادآور می‏شویم:

مثلا:در کتاب مواقیت الصلوة، مسأله 11 (1) درباره کسی که رکعتی از نماز فجر را بجای آورده و آنگاه خورشید طلوع کند، یا کسی که رکعتی از نماز عصر را به جای آورده و آنگاه خورشید غروب کند، شیخ طوسی با عنوان کردن نظر امامیه بر آن است که نمازهای ادا شده صحیح است و یادآور می‏شود که نظر امام شافعی و ابن خیران که از پیروان اوست نیز همین (1).اذا صلی من الفجر رکعة ثم طلعت الشمس، أو صلّی من العصر رکعة و غابت الشمس، فقد أدرک الصلوة جمیعها فی الوقت.و هو ظاهر مذهب الشافعی، و هو قول ابن خیران من أصحابه.و به قال أحمد و اسحق و عامة الفقهاء.و ذهبت طائفة من أصحاب الشافعی الی أنه یکون مدرکا أنه یکون مدرکا للرکعة الاولی فی وقتها و قاضیا للاخری فی غیر الوقت-الخلاف، کتاب مواقیت الصلوة، ص 86، مسأله 11 است.وی افزون بر این، نظر گروهی از اصحاب امام شافعی را نیز نقل کرده که معتقدند تنها رکعت اول در وقت خود ادا شده است.و یا مثلا:در کتاب الجمعة، مسأله 1 (1) راجع به انعقاد نماز جمعه با حضور مسافر، تنها به مقایسه نظر امامیه و شافعیه پرداخته، و تصریح کرده است که در این مسأله شافعیان بر دو قولند:نخست، فقیهانی چون«ابو علی بن ابی هریره»که با امامیه اتفاق نظر داشته و گویند که با حضور مسافر نصاب نماز جمعه حاصل است و جمعه منعقد می‏گردد؛و در مقابل نظر فقیهانی چون«ابو اسحق مروزی»را می‏آورد که نماز جمعه را با حضور مسافر منعقد نمی‏دانند.

نیز در کتاب خلاف می‏توان نظرات مشروح از طبقه دوم شاگردان امام شافعی و طبقات بعد چون:مزنی، ابن خیران، ابن سریج، حسین کرابیسی، ابو اسحق مروزی، ابو القاسم انماطی، ابو سعید اصطخری، ابو الطیّب طبری، ابو حامد مروزی، ابو حامد اسفراینی، ابو بکر صیرفی، ابن مرزبان، ابن قاص طبری، ابن حدّاد، و دیگر عالمان و فقیهان شافعی را یافت که گویی مؤلف عنایتی خاص به ذکر آراء آنان داشته است.توجه شیخ طوسی به نقل آرای این علمای شافعی در حدی است که گاه نظر خاص عالمی چون ابن خیران یا ابن سریج را که در مقابل نظر امام شافعی ابراز گردیده مطرح کرده است.

مثلا:در کتاب البیوع، مسأله 4 (2) گوید اگر که کسی کالایی را ابتیاع کند و در حین عقد کالا را رؤیت نکند، ولی سابقا آن را دیده باشد، نظر امامیه و امام شافعی بر صحّت بیع است، در حالی که فقیه شافعی ابو القاسم انماطی، صحّت آن را نفی کرده و منوط به رؤیت مبیع در حین عقد می‏داند.

(1).من کان مقیما فی بلد من تاجر أو طالب علم و غیر ذلک و فی عزمه متی انقضت حاجته الخروج. فانه تجب علیه الجمعة بلا خلاف و عندنا أنه تنعقد به الجمعة.و اختلف أصحاب الشافعی فی صحة انعقادها به فذهب ابن أبی هریرة الی أنه تنعقد به مثل قولنا، و قال أبو اسحق لا تنعقد لانه غیر متوطن-الخلاف، کتاب الجمعة، ص 232، مسأله 1.

(2).اذا اشتری شیئا لم یره حال العقد و کان قد رآه قبل العقد صحّ الشراء و هو مذهب الشافعی، و به قال جمیع الفقهاء و قال الانماطی من أصحاب الشافعی لا یصح حتی یشاهد المبیع حال العقد-الخلاف، ص 505.

همچنین گاه به روایت دو قول مختلف از فقیهی چون ابن سریج پرداخته است.

مثلا:در کتاب البیوع، مسأله 256 (1) ، در خصوص فروش خوشه درو نشده جو(سنبل الشعیر)، ضمن یادآوری این نکته که امامیه قائل به صحت این بیع‏اند، از ابو اسحق مروزی فقیه نامدار شافعی دو قول نقل کرده است:نخست، قولی نظیر قول امامیه، و دیگر روایتی که به بطلان این بیع حکم کرده است.

و سرانجام شیخ طوسی گاه حتی به تغییر نظرات فقیهی چون ابو اسحق مروزی در مسأله‏ای خاص نیز پرداخته است، مانند:مسأله 87 در کتاب الحیض. (2)

این نمونه‏ها حکایت دارد که صاحب خلاف، تا چه اندازه بر ظرایف و دقایق فقه شافعی واقف بوده و به نقل آنها اهتمام داشته است.

در توضیح شیوه شیخ طوسی در خلاف، و عنایت ویژه او به آراء و آثار فقیهان شافعی، یادآوری این نکته بجاست که شیخ طائفه در طوس خراسان زاده شده و تحصیلات نخستین خود را در همان شهر به پایان برده است؛شهری که به گفته مقدسی در أحسن التقاسیم (3) در آن روزگار از پایگاه‏های علمی و فرهنگی مذهب شافعی بوده و عالم برجسته‏ای چون امام محمد غزالی را در سده 5 ه-ق به جهان فقه شافعی داشته است.شاید همین رابطه علمی با شافعیان و عنایت خاص شیخ طوسی به فقه شافعی و احتمالا فقه آموزی او نزد شیوخ مذهب شافعی طبقات نویسی چون سبکی را بر آن داشته است تا وی را از رجال مذهب شافعیه (1).اذا باع زرعا بشرط أن یحصده و کان الزرع مما یجوز بیعه اما ان یکون فصیلا أو یکون قد عقد الحب و اشتد و هو شعیر.لان بیع سنبل الشعیر جائز و لا یجوز بیع سنبل الحنطة لانه فی غلاف، کان البیع صحیحا و وجب علیه ان یحصده.و قال أبو اسحق المروزی فیه قولان:أحدها یبطلان و الثانی یصحان- الخلاف، ص 576.

(2).الصفرة و الکدرة فی أیام الحیض.و فی أیام الطهر طهر، سواء کانت أیام العادة أو الایام التی یمکن أن تکون حائضا فیها و علی هذا اکثر أصحاب الشافعی، و ذهب الاصطخری من أصحابه الی أن ذلک انما یکون حیضا اذا وجد فی أیام العادة دون غیرها و به قال أبو اسحق المروزی ثم رجع عنه الی القول الاول و قال وجدت نص الشافعی عن أن الکدرة و الصفرة فی أیام الحیض حیض و المعتادة و المبتدلة فی ذلک سواء-الخلاف، ص 73.

(3).ذیل اقلیم خراسان برشمارد.

سبکی در طبقات الشافعیة الکبری، محمد بن حسن ابو جعفر طوسی را در شمار عالمان شافعی یاد کرده، و شافعی پنداشته شدن او در آثار متأخرتر چون طبقات المفسرین (1) سیوطی نیز به چشم می‏خورد.

ذکر عالمی چون شیخ طوسی که بنیانگذار فقه مبسوط و تفریعی امامیه است در زمره پیروان مذهب شافعی از دیدگاه علمی و تاریخی هرگز مورد تأیید و قبول قرار نگرفته است، زیرا وی با نقش مؤثر و انکارناپذیری که در شکل‏گیری فقه امامیه ایفا کرده شخصیتی نیست که بتوان مذهب فقهی او را مورد تردید و پرسش قرار داد، اما در حقیقت دامنه طرح مسائل فقه شافعی در کتاب خلاف و مقایسه دیگر تألیفات فقهی شیخ طوسی همچون کتاب المبسوط، با کتب پیشین فقه شافعی این حقیقت را آشکار می‏سازد که مؤلف شیعی خلاف، شیخ الطایفه امامیه، به آثار و آراء شافعیه عنایتی ویژه و نظری تام داشته و گویی بر این باور بوده است که این دو مذهب فقهی بیشترین قرابت را با یکدیگر دارند، و در واقع می‏توان خلاف شیخ طوسی را نقطه عطفی در تقریب دو مذهب امامیه و شافعیه تلقی کرد؛تقریب دو مذهبی که همواره قرابت آن در طول تاریخ زبانزد همگان بوده است.

مأخذ:

1-شیخ طوسی، الخلاف، تهران، 1327 ق.

2-سیّد مرتضی، الانتصار، نجف اشرف، 1391 ق/1971 م.

3-محمد بن نصر مروزی، اختلاف العلماء، به کوشش صبحی السامرائی، بیروت، 1406 ق/1986 م.

(1).محمد بن الحسن بن علی أبو جعفر الطوسی، شیخ الشیعة و عالمهم، له«تفسیر»کبیر عشرون مجلدا، و عدة تصانیف مشهورة قدم بغداد و تفنن و تفقه للشافعی و لزم الشیخ المفید مدة فتحول رافضیا و حدّت عن هلال الحفّار-طبقات المفسرین، ص 80.

4-طبری، اختلاف الفقهاء، بیروت، دار الکتب العلمیة.

5-طحاوی، اختلاف الفقهاء، به کوشش محمد صغیر حسن المعصومی، اسلام آباد، 1391 ق.

6-ابن منذر، الاشراف بمذاهب الاشراف(الاشراف علی مذاهب أهل العلم)به کوشش محمد نجیب سراج الدین، قطر، 1406 ق/1986 م.

7-مقدسی، أحسن التقاسیم، بیروت 1408 ق/1987 م.

8-سبکی، طبقات الشافعیة الکبری، محمود محمد الطناحی و عبد الفتاح محمد الحلو، قاهره، 1383 ق/1964 م.

9-سیوطی، طبقات المفسرین، بیروت، دار الکتب العلمیة.